



## A look at the words in elementary Persian textbooks from the perspective of spelling difficulty level; Case study: Third grade Persian textbook

Ikhtiyar Bakhshi<sup>1\*</sup> 

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran

### ABSTRACT

#### Keywords:

Persian language teaching, spelling difficulty, Persian vocabulary leveling, elementary school Persian textbooks, Basic Persian vocabulary

Corresponding author:  
Ikhtiyar Bakhshi

 [i.bakhshi@cfu.ac.ir](mailto:i.bakhshi@cfu.ac.ir)

**Background and Objectives:** One of the basic problems of teaching Persian language in Iran in elementary school textbooks is the lack of scientific classification of Persian vocabulary from the perspective of the level of difficulty of spelling. This lack of scientific classification of Persian vocabulary has led to the fact that, for example, a difficult and abandoned word such as "سماط" (semat) is found in third grade Persian textbook, regardless of its form, spelling, meaning, level of difficulty, unfamiliarity, and neglect. **Methods:** In this paper, with the descriptive-analytical method and based on the content analysis method based on linguistic data, we have attempted to study and analyze the words used in all sections of the third grade Persian textbook in elementary school, considering their spelling difficulty level. **Findings:** The results of the research show that difficult and easy words in this textbook have been used without any scientific consideration or criteria. **Conclusion:** Therefore, a comprehensive and complete scientific study of the words in all elementary Persian textbooks from the perspective of difficulty level and the compilation of the basic Persian vocabulary for children, with a scientific, comprehensive, and accurate approach, is essential for the compilation of elementary Persian textbooks in order to teach Persian to children.

Received: 2025-03-02

Reviewed: 2025-04-13

Accepted: 2025-04-13

Published Online: 2026-08-23

**Citation** (APA): Bakhshi, I. (2026). A look at the words in elementary Persian textbooks from the perspective of spelling difficulty level; Case study: Third grade Persian textbook. *Journals of Research in Teacher Education Curriculum Studies*. 6 (1), 35-53.

 <https://doi.org/10.48310/jcdr.2025.18601.1124>



**Publisher:** Farhangian University

**Article type:** Research Article

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



دوره ۶، شماره ۱، ۱۴۰۵

## پژوهش در مطالعات برنامه درسی تربیت معلم

ISSN (Online): 2980-7948



## نگاهی به واژه‌های کتابهای درسی فارسی دوره ابتدایی از دیدگاه سطح دشواری املائی؛ مطالعه موردی: کتاب فارسی پایه سوم دبستان

اختیار بخشی\*

۱. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

## چکیده

**پیشینه و اهداف:** یکی از معضلات اساسی آموزش زبان فارسی در ایران در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، عدم سطح‌بندی علمی واژگان زبان فارسی از دیدگاه سطح دشواری املائی است. همین عدم سطح‌بندی علمی واژگان زبان فارسی سبب می‌شود که برای نمونه، واژه دشوار و مهجوری چون «سماط»، بدون توجه به شکل، املا، معنی، سطح دشواری، نامأنوس و مهجور بودنش از کتاب فارسی سوم دبستان ما سر دربیآورد. **روش‌ها:** در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس روش تحلیل محتوا بر مبنای داده‌های علم زبان‌شناسی کوشیده‌ایم که برای نمونه از کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، واژه‌های به‌کاررفته در همه بخش‌های کتاب درسی فارسی پایه سوم دبستان را با توجه به سطح دشواری املائی آن‌ها بررسی و تحلیل کنیم. **یافته‌ها:** نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که واژه‌های دشوار و آسان در این کتاب درسی، بدون هیچ‌گونه ملاحظه و معیار علمی به‌کاررفته‌اند. **نتیجه‌گیری:** در نتیجه، بررسی علمی جامع و کاملی از واژه‌های به‌کاررفته در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی با توجه به سطح دشواری و تدوین واژگان فارسی، به منظور آموزش زبان فارسی به کودکان ضروری است.

## واژه‌های کلیدی:

آموزش زبان فارسی، دشواری املائی، سطح بندی واژگان فارسی، کتاب‌های درسی فارسی دبستان، واژگان پایه فارسی

نویسنده مسئول:

اختیار بخشی

✉ i.bakhshi@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۱۲-۱۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴-۰۱-۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴-۰۱-۲۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵-۰۶-۰۱

استناد به این مقاله: بخشی، اختیار. (۱۴۰۵). نگاهی به واژه‌های کتابهای درسی فارسی دوره ابتدایی از دیدگاه سطح دشواری املائی؛ مطالعه موردی: کتاب فارسی پایه سوم دبستان. پژوهش در مطالعات برنامه درسی تربیت معلم. ۶(۱)، ۳۵-۵۳.

 <https://doi.org/10.48310/jcdr.2025.18601.1124>



ناشر: دانشگاه فرهنگیان نوع مقاله: پژوهشی

© ۱۴۰۵ / نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



## مقدمه

نظام آموزشی فعلی جمهوری اسلامی ایران، نظامی متمرکز و برنامه‌داری درسی آن، منحصر به کتاب‌های درسی (Textbooks) است که در کل کشور استفاده می‌شود. کتاب‌های درسی، از مهم‌ترین، پرمخاطب‌ترین، پرکاربردترین و دسترس‌ترین رسانه‌های آموزشی در نهاد آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران هستند که سند مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب می‌شوند و فعالیت‌ها و تجارب یاددهندگان و یادگیرندگان، بر محور آن‌ها سازماندهی و ارزیابی می‌شود (Dibai Saber, Jafari Sani & Ayati, 2010). بنا بر اهمیت ویژه کتاب‌های درسی، بایسته است که همواره آن‌ها را با روش‌ها، منظرها و رویکردهای مختلف، مورد نقد، بازنگری و تجزیه و تحلیل علمی قراردهیم تا کارایی آن‌ها در رسیدن به اهداف برنامه‌داری درسی بیش از پیش محقق شود.

کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی بر پایه برنامه‌داری ملی و نیز بر پایه چهارچوب برنامه‌داری درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان فارسی در این دوره با رویکرد و هدف خاص پرورش مهارت‌های زبانی (سخن‌گفتن، گوش‌دادن، خواندن و نوشتن) سازماندهی و تألیف شده است (Khalili et al, 2024 & Akbari Sheldareh et al, 2017). از آن‌جا که نقد و تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از جهت آموزش زبان فارسی به کودکان ضرورت دارد، در این پژوهش برآنیم که سطح دشواری املائی در درس‌های کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی را ارزیابی کنیم. برای این که مباحث به صورت عینی و کاربردی مستند شوند، برای نمونه، کتاب فارسی سوم ابتدایی (Khalili et al, 2024) را از دیدگاه سطح دشواری املائی و اژه‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌ایم. لازم به ذکر است که این پژوهش در صدد ارائه راه حل برای رفع مشکل املائی دانش‌آموزان دوره ابتدایی نیست و بر روی تحلیل محتوای فارسی سوم دبستان از چشم‌انداز کلمات مهم و دشوار املائی به کاررفته در آن تمرکز دارد، به طوری که در آینده در برنامه‌ریزی و تألیف و بازبینی و اصلاحات این کتاب و سایر کتاب‌های فارسی دوره دبستان مؤثر واقع شود.

صاحب‌نظران و متخصصان تمام حوزه‌های علم و فرهنگ بشری به اهمیت زبان در جنبه‌های مادی و معنوی بشر اذعان دارند و فرهنگ و بستر زبان را وسیله منظم ارتباط و انتقال عقاید و احساسات به وسیله کاربرد نشانه‌ها، اصوات، حرکات و یا علامات متداول که دارای مفاهیم معلومی هستند، تعریف کرده‌اند. (Mohammadi Chabaki, 2013). انتخاب زبان آموزش یکی از مسائل پیچیده نهاد آموزش و پرورش و از مسائل بالقوه سیاسی است که مدارس و نهادهای آموزشی بسیاری از کشورها با آن روبرو هستند. زبان، ابزار اصلی تدریس و یادگیری و جزء بسیار مهم هر فرهنگی است؛ به طوری که اگر زبان سنتی یک فرهنگ را از آن جدا کنند، هویت آن فرهنگ نابود می‌شود. تنوع زبانی و چندزبانه بودن برخی از کشورها مثل ایران، مسئله‌ای جدی است و بی‌توجهی به اهمیت زبان در تربیت می‌تواند، موجب بروز مشکلاتی در این جوامع شود (Ibid: 206-207).

یکی از مهمترین روش‌ها برای یاددهی و یادگیری یک زبان استفاده از کتاب است. تهیه و تدوین کتاب‌ها برای آموزش زبان از اهمیت والایی برخوردار است. نظام آموزش و پرورش از جمله نظام‌هایی است که در آن، کتاب درسی محور اصلی آموزش است. یکی از جنبه‌های مهم کتاب‌های درسی محتوای آن‌ها و از ارکان اصلی درک محتوای کتاب‌ها، آموزش واژگان آن‌هاست. بنابراین از جمله مسائل اساسی در آموزش زبان، گزینش و انتخاب واژه‌های مناسب است. بدین جهت ضرورت دارد که در تهیه و تدوین کتاب‌های درسی به مواردی چون سطح واژگان و بسامد آن‌ها توجه ویژه‌ای معطوف گردد. در تدوین کتاب‌های آموزش زبان، انتخاب واژه‌های پرکاربرد اهمیت دارد؛ گزینش این واژه‌ها باید به گونه‌ای باشد که درخور نیازهای زبان‌آموزان باشد. و در زندگی روزمره از بسامد بالایی برخوردار باشند؛ یعنی به نحوی باشند که واژه فراگرفته‌شده در گفتگوهای روزانه زبان‌آموز کاربرد داشته باشد. بدیهی است که علاوه بر بسامد به کارگیری یک واژه، باید

عوامل دیگری را نیز در تدریس واژگان پایه در نظر داشته‌باشیم که از آن جمله می‌تون به معنی، تلفظ و املاهای کلمه اشاره کرد. به همین دلیل پژوهشگرانی که منابع آموزش زبان را بررسی کرده و ایرادات آن را به دست داده‌اند، اقدام به تألیف کتب جدید می‌کنند؛ تا هم آن ایرادات را اصلاح کنند و هم از نتایج تازه‌ترین تحقیقات در زمینه محتوا و روش‌های تحقیق بهره مند شوند (Ghiyasian, Soleimani & Rahmani 2019).

پیش از این گفتیم که هدف اصلی آموزش زبان فارسی در کتاب‌های درسی فارسی ابتدایی، تقویت مهارت‌های زبانی گوش‌دادن، سخن‌گفتن، خواندن و نوشتن است. هنگامی که دانش‌آموز فارسی‌زبان در هفت سالگی وارد مدرسه می‌شود، فرض بر این است که می‌تواند از زبان فارسی برای انتقال پیام و درک آن استفاده کند. بنابراین به نظر می‌رسد که دو مهارت سخن‌گفتن و گوش‌دادن را می‌داند. بدیهی است به این ترتیب دو مهارت خواندن و نوشتن است که به عنوان نیاز واقعی برجسته می‌شود. در این هنگام آموزش زبان آغاز می‌شود و زمانی که زبان‌آموز بتواند متنی را درست و روان با صدای بلند بخواند و املاهای درست آن را بداند، به نظر می‌رسد که هدف از آموزش حاصل گردیده است. مهارت زبانی نوشتن سطوحی دارد که املا از سطوح مقدماتی آن است. املا خود شامل مراحل است که از آن جمله می‌توان به نوشتن درست نشانه‌ها، توانایی تبدیل نشانه‌های آوایی زبان به نوشتار (تبدیل واج‌های کلمات به حروف الفبا) و توانایی خوانا و زیبانویسی اشاره کرد. آموزش املا یک رکن اساسی در کلاس آموزش زبان فارسی است؛ برای همین اگر دانش‌آموزان دوره ابتدایی در املا ضعف دارند، معلمان باید ساعات بیشتری را به تقویت این مهارت اساسی اختصاص دهند (Khalili, Zolfaghari, et al, 2024 & Akbari Sheldareh et al, 2017 et al, 2024).

به نظر اکثر معلمان و متخصصان، درس املا مهمترین و اساسی‌ترین ماده درسی است که در تمامی پایه‌های تحصیلی ارائه می‌گردد. در تمام زبان‌ها، آموزش نوشتن از اصلی‌ترین و مهمترین دروس به شمار می‌روند. آموزش مهارت نوشتن، در دوره تحصیلی ابتدایی در نظام آموزشی ایران، پیوند بسیار نزدیکی با دروس املا و انشا دارد؛ به طوری که می‌توان گفت این درس‌ها زیربنای فراگیری تمامی علوم هستند. امروزه مهارت نوشتن، نخستین نشانه باسواد است و اهمیت نوشتن صحیح کلمات به اندازه‌ای است که مردم، به طور عام، غلط نوشتن کلمات را آشکارترین نشانه بی‌سوادی می‌دانند و اهل فرهنگ نیز هرگاه مدعی می‌شوند که سطح علم و سواد در جامعه تنزل یافته‌است، در اثبات مدعای خود، قبل از هر چیز، به غلط‌های املاهای نوشته‌های فارغ‌التحصیلان مدارس و دانشگاه‌ها استناد می‌کنند و این گونه اغلاط را مهمتر از غلط‌های انشایی و نگارشی می‌شمارند. جامعه از دانش‌آموزان انتظار دارد که کلماتی را که در مدارس می‌آموزند، چرا که این مهارت از پایه‌های اصلی آموزش زبان است، تا بدانجا که دانش‌آموزان ضعیف در املاهای واژگان، در سایر درس‌ها نیز حتی با مشکل مواجه هستند. اما این ماده درسی علی‌رغم اهمیت ویژه‌ای که دارد، در عرصه آموزش و یادگیری آن گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است. بر اساس آمار منتشر شده وزارت آموزش و پرورش، هر سال، دانش‌آموزان زیادی به جهت عدم کسب مهارت درست‌نویسی، نظام آموزشی را ترک می‌کنند. (Seyidi Nazarloo, & Tabasi, 2017). باید اذعان کرد که ریشه اصلی این مشکلات به دوران ابتدایی و کتاب‌های درسی فارسی و نگارش بازمی‌گردد. در نظر معلمان متخصص، به طور خلاصه اختلالات و اشکالات املاهای دانش‌آموزان که نوعی از اختلالات زبان مکتوب یا نوشتاری است، با دو دیدگاه قابل مطالعه و بررسی است: دیدگاه زبانشناختی و دیدگاه روانشناختی. از دیدگاه زبانشناختی، اشکالات املاهای از رسم‌الخط (به‌کارگیری خط عربی در نوشتن کلمات زبان فارسی)، تأثیر لهجه‌های زبان‌های مادری غیر فارسی معلمان و دانش‌آموزان و فرایندهای آوایی حذف، ابدال، افزایش و قلب به وجود می‌آیند و از دیدگاه روانشناختی ایرادهای املاهای از مواردی مانند نمونه‌های زیر سرچشمه می‌گیرند: ضعف در حافظه سمعی یا شنیداری مثل زاله/ جاله، ضعف در حافظه بصری یا دیداری مثل حيله/ هیله، ضعف در حافظه توالی دیداری مثل مادر/ مارد، قرینه‌نویسی، وارونه‌نویسی، عدم دقت مثل گندم/ کندم یا نارسا‌نویسی مثل رستم/ رسم (9). (Ibid).

مشکلات مربوط به املانویسی دانش‌آموزان در جامعه ما به اندازه‌ای حاد و جدی است که معلمان متخصص و روانشناسان بسیاری برای رفع آن دست به قلم برده‌اند و کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته‌اند و هرکدام کوشیده‌اند تا راه حلی برای این مشکل آموزشی ارائه دهند. این کتاب‌ها گاه با استقبال اکثریت مردم که کودکانشان با این معضل جدی دست به گریبان هستند، مواجه می‌شود؛ برای نمونه کتاب *درمان اختلالات دیکته‌نویسی* (Tabrizi, Tabrizi & Tabrizi, 2015) که در آن مؤلفان با دیدگاهی روانشناختی کوشیده‌اند تا راه‌حلهایی برای رفع مشکلات املانویسی ارائه دهند؛ با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه هم اکنون در سال ۱۴۰۳ به چاپ چهل و ششم نیز رسیده‌است. در این کتاب مؤلفان متخصص، عقیده دارند که عیوب نوشتاری و اختلالاتی که کودکان در دیکته‌نویسی دارند، برای همه یکسان نیست؛ لذا تنها با استفاده از یک شیوه، نمی‌توان همه آن‌ها را برطرف و رشد کودک را تضمین کرد. از این رو به بررسی این موارد پرداخته‌اند: اختلالات املانویسی نظیر نارسانویسی، وارونه نویسی، قرینه‌نویسی، ارتقای حافظه دیداری و تصویری و نحوه تمیز دادن تصاویر، دیدهای واگرا و همگرا، حرکات چشم، دید دوچشمی، حساسیت شنوایی، پرورش و تقویت دقت، مشکلات و مسائل مربوط به آموزش، نظریه دید حرکتی و درمان اختلالات یادگیری در دانش‌آموزان بی‌قرار. برای نمونه در زمینه درمان اختلالات املائی ناشی از ضعف حافظه دیداری که در آن کودک قادر به خاطر آوردن تصویر کلمه نیست و اغلاط املائی مانند منزور/ منظور، هیله/ حیله، امو/ عمو، ستل/ سطل را ایجاد می‌کند، مؤلفان کوشیده‌اند راه حل علمی بر اساس روانشناسی ارائه دهند (Ibid: 55). همان گونه که پیش از این گفتیم، هدف ما از نوشتن این مقاله ارائه راه حلی برای رفع معضل املانویسی دانش‌آموزان نیست، بلکه خواهیم کوشید با اتخاذ رویکردی زبان‌شناختی، ضمن نشان دادن موارد کلمات دشوار از نظر املائی در درس‌های کتاب فارسی سوم دبستان و تحلیل محتوای درس‌ها و واژه‌های به کار رفته در آن‌ها، راه حلی ارائه دهیم که با سطح‌بندی علمی واژگان زبان فارسی از دیدگاه سطح دشواری املائی و تدوین واژگان پایه فارسی برای تألیف کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی به حل این مشکل کمک کند.

یادگیری واژگان یک زبان، فرایند پیچیده‌ای است که در آن، فراگیر هم باید شکل و هم معانی مختلف یک واژه را بیاموزد. تعیین نقطه شروع مناسب و نیز محتوای آموزشی در این فرایند، برای فراگیران از اهمیت بسزایی برخوردار است. یکی از حوزه‌هایی که در امر آموزش زبان اهمیت بالایی دارد، حوزه واژگان است. بررسی هزینه-فایده یکی از ملاحظات مهم در آموزش و یادگیری واژگان یک زبان است. هزینه مالی که معلمان و فراگیران صرف آموزش و یادگیری واژگان می‌کنند، باید سود مناسبی برای آن‌ها داشته‌باشد. در حوزه واژه‌آموزی، این سود در میزان کاربرد کلمات (پرکاربردی-پرتکراری) نمود می‌یابد؛ این به این معنی است که هزینه مالی و زمانی باید صرف اکتساب واژگانی شود که در متون مختلف از بسامد بالایی برخوردارند. این جاست که استفاده از فرهنگ لغات پایه می‌تواند راهگشا باشد. نکته اینجاست که اگرچه از اوایل دهه پنجاه شمسی تلاش‌هایی برای شناسایی لغات فارسی به عمل آمده‌است، هنوز فهرستی از واژگان پایه فارسی در دسترس نیست (Ebad, Vakili Fard & Bahramlou, 2014).

با توجه به اهمیت اساسی درس املا در دوره ابتدایی و وجود غیرقابل انکار مشکلات و اختلالات املائی دانش‌آموزان ایرانی، از نظرگاه علم زبانشناسی، با توجه به این که عمده این مشکلات و اختلالات ریشه در کم‌توجهی مؤلفان کتاب‌های فارسی و نگارش به این اصل مهم دارد که این اشکالات، پایه و اساسی زبانشناختی و مربوط به زبان نوشتاری فارسی (خط و رسم‌الخط) دارند، آیا می‌توان با در نظر گرفتن این اصل مهم، متون و کلماتی را انتخاب کرد و در کتاب‌های درسی گنجانده که علاوه بر کاربردی و مفید بودن، اشکالات املائی کمتری ایجاد کنند؟ در صورت مثبت بودن جواب این سوال، چه راه حلی برای رفع این مشکل، دست کم در حوزه مربوط به تألیف کتاب درسی فارسی، می‌توان ارائه داد؟

## روش

شیوه پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و بر اساس روش تحلیل محتوا بر مبنای داده‌های علم زبان‌شناسی است. داده‌های تحقیق با روش مراجعه به منابع مأخذ و فیش‌برداری به دست آمده است که همین داده‌ها در بخش‌های یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری از منظر سطح دشواری املائی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نمونه‌های مربوط به منبع اصلی و مورد بحث در مقاله حاضر از کتاب درسی فارسی سوم دبستان (Khalili et al, 2024) به دست آمده است.

## یافته‌ها

### عدم تفکیک آموزش زبان فارسی از آموزش ادبیات فارسی در مقطع ابتدایی

همان‌گونه که گفتیم هدف اصلی تألیف کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی آموزش زبان فارسی است، نه آموزش ادبیات فارسی، اما در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، مرز مشخصی بین آموزش زبان فارسی و ادبیات فارسی وجود ندارد؛ یعنی مؤلفان این کتب مشخص نکرده‌اند که هدف اصلی از تألیف این کتب چیست. می‌دانیم که زبان معیار با زبان ادبی متمایز است و مطالعه زبان بر اساس یافته‌های علم زبان‌شناسی (Linguistics) است؛ در حالی که مطالعه ادبیات بر پایه اصول علم ادبیات‌شناسی یا بوطیقا (Poetics) است. ادبیات مایه و منشأ هنری و زیبایی‌شناختی دارد و در اصل نوعی از کاربرد زبان است نه خود زبان؛ به طوری که در تعریف ادبیات از جنبه زبان‌شناسی می‌توان ادبیات را چنین تعریف کرد: ادبیات کاربرد زبان مطابق اسلوب‌های زیبایی‌شناختی و هنری است و هدف آن عمدتاً تأثیر بر عاطفه مخاطب است؛ در حالی که زبان، نظامی متشکل از نشانه‌های آوایی قراردادی است که عمدتاً با هدف ارتباط انسانها و انتقال پیام بین آنها به کار می‌رود. زبان اعم از ادبیات است و ادبیات جزء زبان است و با همدیگر تمایز و تفاوت دارند. در کتاب‌های درسی فارسی ابتدایی مؤلفان فرق بین «زبان‌آموزی» و «ادبیات‌آموزی» را آگاهانه یا ناآگاهانه نادیده گرفته‌اند و چنین گمان می‌کنند که با شعر (سنتی یا معاصر) نیز می‌توان زبان فارسی معیار را آموخت؛ در حالی که شعر، به عنوان یک ساخت هنری و ادبی، هنجارهای عادی زبان معیار را بنا به ملاحظات فرازبانی زیبایی‌شناختی هنری و ادبی درهم می‌شکند و اساساً مناسب زبان‌آموزی کودکان دوره دبستان نیست. لازم به ذکر است که همین مؤلفان در کتاب‌های راهنمای معلم کتاب‌های فارسی دوران دبستان، هرچند در عباراتی زیبا، ادبی و احساساتی مثل «ایجاد نگرشی نو در معلمان برای حرکت صحیح از پلکان زبان‌آموزی به پهنه شگرف ادبیات فارسی» (Akbari Sheldareh et al, 2017)، به تمایز و تفاوت آشکار بین زبان‌آموزی و ادبیات‌آموزی اعتراف می‌کنند، اما در عمل، نمی‌خواهند به این تمایز و تفاوت بیشتر و عمیق‌تر بپردازند و هدف حقیقی و رویکرد اصلی تألیف این کتب را مشخص کنند و به کار بندند.

در زمینه خط و املا فارسی با توجه به نظر Saeb متخصصان زبان‌شناس، شعر فارسی همه جا از قواعد و ضوابط عمومی دستور خط فارسی پیروی نمی‌کند و گهگاه به ضرورت، از قواعد دیگری پیروی می‌کند. پس دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نه برای شعر فارسی، بلکه برای نثر فارسی تدوین و تنظیم شده است (Haddad, 2015). در بررسی کتاب فارسی سوم دبستان مشاهده می‌کنیم که بخش‌هایی از کتاب با عنوان «بخوان و حفظ کن» حاوی شعرهایی هستند که کودکان باید آن‌ها را بخوانند و حفظ کنند (Khalili et al, 2024). این اشعار علاوه بر این که حاوی لغات دشوار املائی هستند، اساساً برای زبان‌آموزی کودکان، اگر مانع ایجاد نکنند، کمک چندانی نیز ندارند. با نگاه هنری، ادبی، عاطفی و خوش‌بینانه، این‌گونه اشعار برای ادبیات‌آموزی کودکان، یعنی خواندن و حفظ کردن و تکرار کردن و التذاذ و پرورش و تقویت ذوق ادبی و هنری آن‌ها مؤثر هستند و عملاً به پرورش مهارت‌های اصلی زبانی مورد نظر در برنامه درسی فارسی که در مقدمه کتاب به آن‌ها اشاره شده، کمک چندانی نمی‌کنند. این اشعار در یک کتاب درسی فارسی ابتدایی، مثلاً فارسی پایه سوم دبستان، تا آن جا که در محدوده پرورش ذوق ادبی و هنری کودکان به صورت «بخوان و حفظ کن» بمانند، هرچند مغایر اهداف اصلی آموزشی هستند، قابل چشم‌پوشی هستند و مشکل چندانی ایجاد نمی‌کنند؛ مشکل زمانی ایجاد می‌شود که دو درس کامل کتاب، درس دوازدهم با عنوان «ایران

«عزیز» که یک شعر آزاد از Abbas Yamini Sharif است و درس پانزدهم با عنوان «دریا» که یک شعر در قالب چهارپاره از Mahmoud Kianoush است، تماماً به صورت شعر هستند (Ibid: 94-95 & 11-110). در زمینه لغات نامناسب برای زبان‌آموزی در این گونه دروس، که در بخش‌های بعدی همین مقاله به آن‌ها پرداخته‌ایم، می‌توان واژه «نعمت‌هاش» را مثال زد که در شعر درس دوازدهم، به ضرورت وزن شعر درست به همین شکل آمده است (Ibid: 95). می‌دانیم که همین کلمه، بر اساس فارسی معیار معاصر بایستی در نثری مناسب، به صورت «نعمت‌هایش» بیاید تا مناسب زبان‌آموزی صحیح کودکان سوم دبستان باشد. سؤال اینجاست که این اشعار از نظر زبانشناسی، به جز این که حاوی کلمات دشوار ادبی‌اند که سبب بروز مشکلات در زبان‌آموزی کودک از جمله مشکلات املائی می‌شوند، کدام هدف از اهداف درج‌شده در مقدمه کتاب فارسی را بر مبنای رویکرد تقویت مهارت‌های چهارگانه زبانی محقق می‌کنند؟ البته این پرداختن مؤلفان کتاب به شعر به بخش‌های «بخوان و حفظ کن» و دو درسی که ذکر کردیم، محدود نشده و شامل این موارد نیز می‌شود: «ستایش» آغاز کتاب یک شعر در قالب مثنوی از Mahmoud Pourwahab است (Ibid: 10) و در آخرین بخش کتاب، یعنی «نیایش» نیز سه بیت از یک مثنوی از Iraj Mirza درج شده است (Ibid: 128). در ضمن، در درس هفتم کتاب با عنوان «کار نیک» چهار بیت از یک چهارپاره Mohammad Taghi Bahar به عنوان «کسری و دهقان» درج شده است (Ibid: 57-58) و در درس نهم کتاب با عنوان «بوی نرگس» یک بیت از Saem Kashani درج شده است (Ibid: 73). بسیاری از مشکلات املائی یاد شده به سبب عدم تعیین هدف اصلی در تألیف کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی به وجود می‌آید. آیا این کتاب‌ها برای کودکان نوآموز غیر فارسی زبان ایرانی با هدف آموزش زبان تألیف شده است یا هدف از آن آموختن ادبیات فارسی (شعر و نثر ادبی کهن و معاصر فارسی) بوده است؟ همان گونه که در نمونه خواهیم دید، بسیاری از واژه‌های فارسی مانند واژه «اندوه» علی‌رغم آن که فارسی اصیل هستند، اما در طول زمان به دلایل زبانشناختی و فرازبانساختی از زبان معیار به زبان ادبی و هنری منتقل شده‌اند. این ویژگی زبانی در اغلب زبان‌های زنده دنیا از جمله عربی و ترکی نیز دیده می‌شود. بدیهی است که کلمات به کار رفته در یک شعر، چه سنتی و چه معاصر، اساساً با کلمات مستعمل در زبان معیار تفاوت دارند.

در زمینه نثر ادبی و تاریخی نیز همین مورد صادق است: مؤلفان کتاب فارسی و نگارش دوره ابتدایی تفاوت و تمایز روشن و آشکار زبان و ادبیات کهن را با زبان و ادبیات فارسی معاصر نادیده می‌گیرند؛ برای نمونه، ساخت‌های دستوری زبان کهن و مهم‌تر از همه واژه‌های به کاررفته در شعر و نثر ادبی کلاسیک فارسی مثل گلستان سعدی که در کتاب سوم ابتدایی نیز مثل سایر کتاب‌های فارسی، به هیچ عنوان از نوع زبان، ساخت‌های دستوری و واژه‌هایی نیست که کودکان در پایه سوم دبستان برای زبان‌آموزی به آن‌ها نیاز داشته باشند. پیش از این طی پژوهشی، مشکلات واژه شناختی، معناساختی، ساختارهای صرفی و نحوی، نگارشی و املائی ناشی از عدم بازگردانی این گونه از متون کهن به زبان فارسی معیار معاصر، بررسی و تحلیل شده است (Bakhshi, 2019). با توجه به آن چه گفته شد، مؤلفان کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی باید تکلیف اهداف حقیقی این کتب را مشخص کنند و بر پایه همین اهداف به تألیف کتاب‌های درسی فارسی و نگارش بپردازند.

### مشکلات املائی ناشی از خط فارسی و رسم‌الخط آن

خط نشانه مادّی، محسوس و نوشتاری برای نظام زبان است. به این ترتیب، زبان یک پدیده ذهنی واحد با دو تظاهر مادّی متفاوت است که یکی گفتاری و دیگری نوشتاری است. خط به منظور نوشتن نشانه‌های آوایی زبان اختراع شده است. نشانه‌های خطی به طور غیرمستقیم و از طریق نشانه‌های آوایی با زبان مرتبط می‌شوند (Haqshenas, 2009). به بیان دیگر خط، چهره مکتوب زبان است و همان گونه که زبان از مجموعه اصول و قواعدی به نام دستور زبان پیروی می‌کند، خط نیز از اصول و ضوابطی معلوم و مدوّن به نام «دستور خط» یا همان «رسم‌الخط» پیروی می‌کند. از آن جا که خط فارسی به موجب اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خط رسمی کشور است، کلیه کتاب‌های درسی به

این خط نوشته می‌شوند و تابع دستور خط فارسی هستند. اما در زمینه نوشتن به خط فارسی مشکلاتی وجود دارد که تدوین دستور خط فارسی را ضروری می‌کند. متخصصان زبانشناس تصریح می‌کنند که خط فارسی از خط عربی برگرفته شده است، اما زبان فارسی یکی از زبان‌های خانواده هند و اروپایی است و ساختمان آن با ساختمان زبان عربی به کلی متفاوت است (Haddad Adel et al, 2015 & Sadeghi & Zandi Moghadam, 2015). در زمینه دشواری املائی کلمات در زبان فارسی، عقیده رایج این است که «در فارسی کلمه‌ای اهمیت املائی دارد که عربی رایج در فارسی باشد» (Vahidian Kamyar et al, 2014)؛ اما این نظر جامع و مانع نیست و گاه همراه‌کننده هم هست. نمونه‌های بسیاری از کلمات فارسی می‌توان مثال زد که با آن که کلمه فارسی است، اما دشواری املائی آن از کلمات عربی کمتر نیست؛ برای مثال کلمه فارسی «خواب‌گزار» را که در کتاب فارسی سوم دبستان نیز به کار رفته است (Khalili et al, 2024)، از نظر املائی در نظر بگیریم: به دلیل داشتن «واو معدوله» یا همان «واو غیرملفوظ» و نیز داشتن صامت /z/ ممکن است به شکل‌های نادرستی نوشته شود که در ادامه می‌آید: خاب‌گزار- خاب‌گذار- خواب‌گذار- خاب‌گزار- خواب‌گزار. برای همین بهتر است برای ارائه یک نظر جامع و مانع و صحیح بگوییم که چون زبان فارسی به خط عربی نوشته می‌شود، در این زبان، کلماتی غالباً اهمیت املائی دارند که در خود یک یا چند حرف از حروف شش گروه املائی زیر را داشته باشد:

الف- گروه حروف «ع، ع» که در زبان فارسی با صدا یا واج صامت مشترک /ʔ/ تلفظ می‌شوند؛

ب- گروه حروف «ث، س، ص» که در زبان فارسی با صدا یا واج صامت مشترک /s/ تلفظ می‌شوند؛

ج- گروه حروف «ت، ط» که در زبان فارسی با صدا یا واج صامت مشترک /t/ تلفظ می‌شوند؛

د- گروه حروف «ح، ه» که در زبان فارسی با صدا یا واج صامت مشترک /h/ تلفظ می‌شوند؛

ه- گروه حروف «ز، ذ، ض، ظ» که در زبان فارسی با صدا یا واج صامت مشترک /z/ تلفظ می‌شوند؛

و- گروه حروف «غ، ق» که در زبان فارسی با صدا یا واج صامت مشترک /q/ تلفظ می‌شوند.

می‌دانیم که زبان فارسی معاصر ۲۳ واج صامت (همخوان) و ۶ مصوت (واکه) دارد (برای واج‌های صامت زبان فارسی معاصر) (Lazar, 2005). در نوشتار به منظور تشخیص بین واج‌نویسی از یک سو و آوانویسی از سوی دیگر، زبانشناسان واج‌ها را در بین دو خط مورب یا اسلش // قرار می‌دهند (Haqshenas, 2009). با دیدگاه زبانشناختی چون در زبان فارسی تطابق و هماهنگی یک به یک بین حروف الفبای عربی و واج‌های صامت فارسی وجود ندارد، همین تنوع در حروف عربی با وجود محدودیت واج‌های صامت فارسی، از نظر زبانشناختی و از منظر رسم الخط، عامل اصلی بروز مشکلات املائی دانش‌آموزان در ایران است. در زبان عربی این معضل اساساً وجود ندارد؛ چرا که زبان عربی یک زبان سامی و از نظر واج‌های صامت غنی است و صامت‌ها در این زبان، اسکلت و پایه معنایی کلمه را تشکیل می‌دهند و مصوت‌ها تنها برای گرفتن مشتقات مختلف از ریشه به کار می‌روند (Sadeghi & Zandi Moghadam, 2015)، بین واج‌های این زبان و حروف الفبای آن تناسب و مطابقت وجود دارد؛ یعنی مثلاً در زبان عربی، آنچه ما به نام حروف «ح» و «ه» و «ز»، «ذ»، «ض» و «ظ» می‌شناسیم، در این زبان تلفظ خاص خودشان را دارند؛ یعنی در اصل واج‌های صامت /ح/ و /ه/ و /ز/ و /ذ/ و /ض/ و /ظ/ هستند و یک عرب، برای مثال، با شنیدن تلفظ خاص کلمه عربی «حفظ» که در کتاب فارسی سوم دبستان نیز بارها تکرار شده است (Khalili et al, 2024)، به راحتی صامت‌های /ح/ و /ظ/ را از طرز تلفظشان در زبان عربی تشخیص می‌دهد و در املا، بین صامت‌های /ح/ با /ه/ و نیز بین صامت‌های /ظ/ با /ز/ و /ذ/ و /ض/ اشتباه نمی‌کند؛ پس این کلمه را به صورت‌های غلط، نظیر «هفط»، «هفز»، «هفد»، «هفص»، «حفز»، «حفد»، «حفص»، نمی‌نویسد. در حالی که یک غیرعرب به دلیل عدم وجود واج‌های صامت خاص زبان عربی در زبان مادریش، ممکن است همین کلمه عربی را به صورت‌های غلطی که ذکر کردیم، بنویسد. البته همان گونه که گفتیم، این مشکل املائی در زبان و خط فارسی، مختص کلمات عربی نیست و همین تنوع حروف الفبای عربی در عین محدودیت واج‌های صامت در زبان فارسی سبب می‌شود که گاه کلمات غیر عربی و حتی فارسی نیز به اشتباه با یکی از حروف عربی گروه‌های ششگانه املائی به صورت غلط

املائی نوشته‌شوند؛ مثلاً کلمات فارسی «بغل» و «هوش» را دانش‌آموز، به اشتباه به صورت «بقل» و «حوش» بنویسد. پس لازم است برای این که توصیف علمی و صحیحی از علت اصلی وجود مشکلات املائی در زبان و خط فارسی از دیدگاه زبانشناسی داشته‌باشیم، تصریح کنیم که «کلمه‌ای در زبان فارسی عمدتاً اهمیت املائی دارد که در خود حداقل یکی از حروف شش گروه املائی بالا را داشته‌باشد، چه این کلمه عربی‌الاصل باشد، چه نباشد»؛ به عبارت دیگر «کلمه‌ای اهمیت املائی دارد که می‌تواند چند شکل مکتوب داشته‌باشد و باید شکل صحیح آن را هنگام نوشتن انتخاب کرد» (Vahidian Kamyar et al, 2014). به بیان دقیق‌تر و تخصصی‌تر «علت اصلی فراوانی نادرستی املائی در زبان فارسی به الفبای خط عربی بازمی‌گردد، چون بین این حروف الفبا و واج‌های صامت زبان فارسی مطابقت یک به یک وجود ندارد و حروف الفبای فارسی بیشتر از واج‌های صامت زبان فارسی هستند». در بحث املائی فارسی چون فرض بر این است که شخص با شنیدن صورت ملفوظ کلمه به صورت مکتوب آن پی می‌برد، بنابراین در توصیفات علمی خود، تلفظ واژه‌ها را باید اصل بگیریم؛ از این‌رو بحث وجود واج‌های صامت زبان فارسی، یعنی /p/, /s/, /t/, /h/, /z/, /q/ در کلمات در مطالعات مربوط به املائی فارسی باید اساس قرار گیرد؛ بدین شرح که «هر کلمه‌ای، چه فارسی و چه غیر فارسی که یکی یا بیشتر از این صامت‌ها را در ساخت آوایی خود داشته‌باشد، از نظر املائی مهم محسوب می‌شود». توضیح این که کلماتی که دو صامت از صامت‌های گروه‌های ششگانه املائی را در ساخت آوایی‌شان داشته باشند، نسبت به کلماتی که فقط یک صامت از صامت‌ها را دارند از نظر املائی مهم‌تر هستند؛ مثلاً واژه «محیط» (دارای دو صامت /h/ و /t/ و دو حرف «ح» و «ط») مهم‌تر از واژه «نشاط» (دارای صامت /t/ و حرف «ط») است. بر اساس آن چه گفته شد؛ برای نمونه هر کلمه‌ای که با واج صامت /p/ آغاز شود، یا این صامت در بین واج‌های این کلمه باشد، چه عربی باشد و چه نباشد، اهمیت املائی دارد؛ برای نمونه واژه‌های «آشپانه، ابریشم، مأمور، امرا، عطر و عنکبوت» صرف نظر از فارسی یا عربی بودن و صرف نظر از این که با همزه یا عین نوشته می‌شوند، به صرف داشتن صامت /p/ اهمیت املائی دارند و ممکن است به صورت‌های غلط مانند «عاشپانه، عبریشم، معمور، عمرا، اطر/ اتر و انکبوت» نوشته شوند. نظر دیگر آن که «بین صدا و حرف کلمات غیر عربی (کلمات فارسی و کلمات غیر عربی رایج در فارسی) غالباً تطابق یک به یک وجود دارد؛ بنابراین در املائی آن‌ها مشکل چند شکل نویسی نخواهیم داشت» (همان). نظر اخیر را نیز می‌توان با ارائه نمونه‌های متعددی از کلمات پرکاربرد فارسی رد کرد؛ برای نمونه در زبان فارسی اغلب کلمه «چهار» را /چهار/ تلفظ می‌کنیم. نمونه دیگر املائی کلمات پرکاربرد «خود»، «خویش» و کلمات و افعال مشتق از ریشه‌های پرکاربرد «خواب»، «خور» و «خوان» است که به دلیل داشتن «واو غیرملفوظ» بین صورت ملفوظ و مکتوب آن‌ها تطابق یک به یک وجود ندارد. نمونه دیگر کلمات مشتق از مصدر پرکاربرد «خواستن» است که به غلط به صورت «خواستن» نوشته می‌شوند و بالعکس؛ یا «خواستن» (قصد کردن) و «خواستن» (بلندشدن، برخاستن) با هم مشتبه می‌شوند؛ مثلاً به کارگیری غلط املائی «خواستگاه» به جای «خاستگاه» (منبع، منشأ) از اغلاط املائی شایع است و نیز فعل‌های مشتق از مصدر «برخاستن» به غلط ممکن است به صورت «برخواستن» نوشته شوند. نمونه دیگر از کلمات مهم املائی افعال فارسی از ریشه‌های «پذیر»، «گذر»، «گذار» و «گزار» و افعال مشتق از مصادر «پذیرفتن»، «گذشتن»، «گذاشتن» و «گزاردن» و کلماتی که «گذار» و «گزار» را در ساخت خود دارند؛ مثل «برگزار»، «گزارش»، «نمازگزار»، «خواب‌گزار»، «سپاس‌گزار»، «قانون‌گذار» به دلیل داشتن صامت /z/ در ساخت آوایی و داشتن حروف «ذ» و «ز» در صورت مکتوبشان اهمیت املائی دارند.

پس در یک نظر کلی و علمی، علت اصلی مشکلات املائی در زبان فارسی مشکل چندگانه‌نویسی است و به گروه‌های شش‌گانه‌ای که ذکر کردیم و در اصل به عدم تطابق یک به یک صورت ملفوظ و مکتوب کلمات در این زبان باز می‌گردد. برای این که این توصیف را مستند و مستدل کنیم، مثالهایی از کلمات مترادف مستعمل در زبان فارسی را می‌آوریم:

#### چند نمونه برای کلمات مشکل از نظر املا

برای نمونه کلمات مترادف پرکاربرد «سعی»، «تلاش» و «کوشش» را در نظر بگیریم. کلمه «سعی» عربی، کلمه «تلاش» ترکی و کلمه «کوشش» فارسی است. در بین این کلمات، فقط کلمه «کوشش» مشکل املائی ایجاد نمی‌کند؛

چون بین واج‌ها و حروف آن تطابق یک به یک وجود دارد: /ک/ + /و/ + /ش/ + /ـ/ + /ش/، کلمه «سعی» به دلیل داشتن صامت‌های /س/ و /ه/ ممکن است در املا به صورت‌های غلط «سئی/سائی»، «صعی»، «صئی»، «ثعی»، «ثئی»، نوشته‌شود. کلمه «سعی» از کلمات رایج در فارسی معیار است و به صورت‌های «سعی داشتن»، «سعی شدن»، «سعی کردن» و «سعی بلیغ» در زبان فارسی معاصر مستعمل است (Sadri Afshar, Hakami & Hakami, 2002). کلمه ترکی تلاش نیز که در فارسی معیار به صورت‌های «به تلاش افتادن»، «در تلاش بودن»، «تلاش کردن» و «تلاشگر» (ادبی) رایج است (Ibid: 387). این کلمه در ترکی در اصل تلاش (talaş) و از کلمات دخیل ترکی در فارسی و رایج در این زبان است (Zare Shahmorsi, 2015 & Dehkhoda, 1967). کلمه تلاش از دیدگاه املا، به دلیل داشتن صامت /ت/ ممکن است به صورت غلط «طلاش» نوشته‌شود.

نمونه دیگر و جالب‌تر، کلمات مترادف «غم» (عربی) و «اندوه» (فارسی) است. کلمه دوهجایی اندوه اگرچه فارسی اصیل است، اما در فارسی معیار امروز به حوزه زبان تاریخی و ادبی رانده شده است و در زبان ادبی به صورت‌هایی چون «اندوه خوردن»، «اندوه آور»، «اندوهبار»، «اندوهخوار»، «اندوهزا»، «اندوه‌زدا»، «اندوهگسار»، «اندوهگین» و «اندوهناک» کاربرد دارد (Sadri Afshar, Hakami & Hakami, 2002). کلمه اندوه جای خود را در فارسی معیار معاصر به کلمه تک‌هجایی عربی «غم» داده‌است و همین کلمه غم موجودیت خود را در فارسی معیار معاصر در کاربرد تنها و در ترکیباتی چون این تثبیت کرده‌است و در این زبان کاربرد پربسامدی دارد: «غم خوردن»، «غم‌افزا»، «غم‌آلود»، «غم‌انگیز»، «غمباد»، «غم‌پرور»، «غمخانه»، «غمخوار»، «غم‌خورک»، «غم‌زدا»، «غمزده»، «غمکده»، «غمگسار»، «غمگین»، «غمناک»، «غمین» (Ibid: 918-919). واژه اندوه فارسی و غم عربی به دلیل داشتن صامت‌های /h/ و /q/ در زبان فارسی هر دو می‌توانند به صورت غلط املائی به صورت «اندوح» و «قم» نوشته شوند و در قابلیت غلط نوشته‌شدن مساوی هستند.

در این بخش به بررسی کلمات مهم املائی فارسی سوم دبستان می‌پردازیم. کلماتی که بر اساس اصل داشتن صامت‌های ششگانه مهم املائی /ʔ/، /s/، /t/، /h/، /z/، /q/ در ساخت آوایی‌شان، احتمال و امکان غلط نوشته‌شدن آنها وجود دارد.

### مروری بر کلمات دارای اهمیت املائی در کتاب فارسی سوم دبستان

**ستایش** - مهربان، سنجاقک، قشنگ، هوا، آفرید، سبزه، صمیمی‌تر، مهربانی، ساده و آسمانی، صاف، آفتاب (Khalili et al, 2024).

**درس اول - محله ما** - امید، محله، ثبت نام، عادت، ناراحت، وسایل، این قدر، حالا، دقت، اطراف، صف، تعداد، مغازه، بعضی، مواد غذایی، قنادی، گنبد فیروزه‌ای، گلدسته‌ها، سرسبز، عظمتی، فضای سبز، جمعیت، انتها، مسابقه، بهارستان، برگزار، قبلاً، محل، مهمانی، معرفی، ناراحتی، دروازه‌بان، حرف، نظر، خاطرات، راحت، لحظه، توی، شروع (Ibid: 12-14).

**بخوان و حفظ کن** - پدربزرگ - پدربزرگم، بغل، صورتم، تازه، خسته، پرسید، حالی، تشکر، عالی، عصای زیبا، قلقلک، عصا (Ibid: 19).

**درس دوم - زنگ ورزش** - هوا، پاییزی، گذشته، آغاز، فعالیت‌های ورزشی، موضوع مهم، علاقه، بحث، سلامتی، نظم و ترتیب، پیوسته، به صورت حرفه‌ای، انتخاب، آموزش، تمرین، تعطیلی، همراه، طرف، موضوع، تصمیم، استخر، محل مخصوص، سالن اصلی، مدتی، ماهرانه، مربی، صحبت‌ها، نام‌نویسی، نتیجه، ماهر، مسابقات، رتبه، تلاش (Ibid: 19-21).

**بخوان و بیندیش** - قصه تنگ بلور - تنگ، اسم، صنوبر، سبد، سبز و تازه، روز، صبح، آن قدر، تعجب، صورتی، دهانه، میز، تخت خواب، قوری، سماور، قشنگ، بازی، دوستش، نشسته‌بود، شکسته، دعوت، صدا، ظرف‌ها، سفالی، قدیمی، حالا، موزه، همه، نزدیک، حیرت، نگاه، آبی، سفید، صورتی، فیروزه‌ای، تعجب، آدم‌ها، ظرف، جمع، نگه‌داری، بازدید، خودشان، زندگی، چیزهای زیادی، مثلاً، نمی‌خواهد، هزار سال قبل، توی، ظرفی، غذا، می‌خورده‌است، چه کسی، ساخته‌است،

گذشته‌ها، علت‌های مختلف، باستان‌شناسان، نگاه، چه‌قدر، آهی، آهسته، چقدر، خواست، چیزی، یک‌دفعه، متوجه، تعجب، صدا، تازه، زودتر (Ibid: 25-27). در بررسی لغات این درس، نبود وحدت رویه در نوشتن صورت درست املائی کلمات در نمونه‌های «چه‌قدر و چقدر» دیده می‌شود (Ibid: 27).

**مَثَل - سرزمینی بزرگ، حاکمی، زندگی، روزی، فرزندش، حاکم، دستور، غذای مخصوص، بپزند، زودتر، آشپز ماهر، مأمور، شروع، تصمیم، خوش‌مزه، هنگام، یک‌سره، هم، حرف، آماده، صورتش، اتفاق، عصبانی، حکیم، طبیب (Ibid: 28).**

**درس سوم - آسمان آبی، طبیعت پاک - آسمان آبی، طبیعت، هفته‌ی گذشته، علمی، دامنه‌ی کوهی، اطراف، هم‌فکری، صورت، گزارش، علمی، تقسیم، آماده، معلّم، سعید، صدا، حیوانات، تمیز، محیطی سالم، محیط، آشغال، زباله، باعث، علاوه بر، تشکر، کوتاه، مسعود، ایزد، جمعه، صبح، دل‌پذیر، قلّه، لذت‌بخش، پاکیزه، تمیز، وحشی، غرق، نشاط، زیبایی‌های طبیعت، خوش گذشت، خوش‌حالم، پاکیزگی، اهمّیت (Ibid: 31-32).**

**بخوان و حفظ کن - هم‌بازی - هم‌بازی، قایقی، ساخت، قایقش، نیز، قایق، عبور، ساحل، ناگهان، لحظه‌ای، تعجب، نگرست، هم‌بازیست (Ibid: 35).**

**درس چهارم - آواز گنجشک - آواز، زنگ خورد، نظم، سمت، حرکت، منتظر، هفته‌ی سلامت، قرار، مناسبت، سر و صدا، احوال‌پرسی، خواست، مشورت، موضوع، لحظه، سبزی‌فروش، تلاش، نظر، علمی، علاقه، صدا، آلودگی صوتی، تعجب، سکوت، عضو، آرام، موضوع، توضیح، ناراحت، تولید، عادت، دقت، حالا، بحث، مواظب، مشغول، منظم، راحله، صدای هواپیما، بوق اتومبیل، تلویزیون، ضبط صوت، صدای بوق، ماشین همسایه، باعث، موقّیّت، اضافه، ترقه‌ها، صداهای زیان‌آور، سلامت، آسیب، انتخاب، خوش‌حال، به به، صدای قشنگ، گوش‌نواز (Ibid: 36-39).**

**بخوان و بیندیش - مورچه‌ریزه - مورچه‌ریزه، بغلش، معلّم، طرف، وضع درس و مشقّت، سایه، سوراخ، توی، قوی، موزاییک‌ها، آقابزرگ، قرمز، راهرو، خاک‌بازی، خوش به حال، این‌همه، می‌خواند، ناراضی، نمی‌دانست، مسئله، بس، ناهار، حاضر، خودش، غصّه، غذا، آهسته، سفره، عینکش، گذاشت، صفحات، می‌خواند، تشکّچی مخصوصش، می‌خواست، اتاق، گذشت، عینک، یک‌دفعه، نگاهی، صفحه‌ی کتاب، خط‌های چوب میز، حتّی، گل‌های قالی (Ibid: 42-43).**

**مَثَل - فقیری، فقط، بُز، ماست، درست، مغازه‌دار، نزدیک، مدّتی، وزن، ترازو، قبل، استفاده، یقین (Ibid: 44).**

**درس پنجم - بلدرچین و برزگر - کشتزاری، زندگی، صحرا، خود، صاحب، نزد، همسایه، نخواهد آمد، نخواهد شد، برزگر، انتظار، خویشان، خواهش، آشیانه، خواهد ماند، داس‌ها، خودمان، تیز، تعجب، دهقان، امید، خطر، وقتی، تصمیم، خودش (Ibid: 46-47).**

**درس ششم - فداکاری - همیشه، بزرگ، نجات، هم‌نوعان، خطر، ذهن، حتّی، سرمشق، چراغ، سهام خیّام، محمدحسین فهمیده، ریزعلی خواجوی، حسن امیدزاده، هویزه، درس‌خوان و باهوش، موقّیّت، اشتیاق، ثبت نام، آرام و قرار، علت، تحمیلی، اشغال، اشغالگران، آغوش، زنجیرهای تانک، قدّس سرّه، طفل، غروب، مزرعه، متوجه، اثر، ریزش کوه، مسیر، حرکت، قطار، صدا، سرعت، نفت، سمت، آتش، حتمی، معلّم، واقعه‌ی آتش‌سوزی، عده‌ای، نجات، شعله‌ها، افتخار، احترام می‌گذاریم (Ibid: 50-55). جالب توجه است که فعل «احترام می‌گذاریم» که دقیقاً به همین صورت در کتاب درج شده است (Ibid: 55)، خود، غلط املائی است و صحیحش «احترام می‌گزاریم» است. بودن غلط املائی در کتاب درسی فارسی خود موضوعی نادر و عجیب است.**

**بخوان و حفظ کن - مثل باران - مثل، مهربان و تازه و بی‌ادعا، آوازاها، رقص، سبزه‌ها، صدای پای کوبی‌هایمان، سبزه، باغچه، طراوت‌ها، غبارآلود، بوسه، می‌شستیم، صدا، آوازان، لبریز، بانشاط، تازه (Ibid: 55).**

**درس هفتم - کار نیک - زمان، حال، تصمیم، معمولی، آن وقت، به به، باصفایی، سبزه‌ها، دقت، می‌گذاشت، دانه‌ی جوز، فصل، بهار، مدّتی، تعجب، خسته، تازه، طول، بزرگ، وقت، معلوم، عمر، قوی، تکیه، درست، موضوع، ناراحت، خوردیم، بخورند (Ibid: 57-58).**

**بخوان و بیندیش - پری کوچولو - قصه‌ی ما، هنوز، می‌خواست، خودت، صبر، نقره‌ای، اتفاق، خلاصه، این طرف، آن طرف، جست‌وجو، عاقبت، غصه، طلا، نقره، اشغال، دروغ، خوش‌حال، هیچ‌وقت، خداحافظی، آهی، آهای، چاق، آقاموشه، لقمه، خداحافظی، خسته، اذیت، صبح، خیس، قشنگ، دفعه، عیب، هم‌قد، خوش‌حالی، تعجب، خوش‌حال، جست (Ibid: 60-63).**

**حکایت - بهانه - بهلول، طنابش، مدتی، قرض، امانتدار، حیف، طناب، ارزن، حتماً تعجب، بهانه (Ibid: 64).**  
**درس هشتم - پیراهن بهشتی - حضرت فاطمه (س)، ساده‌ای، ازدواج، حضرت علی (ع)، لطیفی، گذاشت، لحظه، صدای ضعیفی، فقیرم، فقیر، می‌خواهم، کهنه، عروسی‌اش نخواهید رسید، نیازمندان، طرف، مهربانی، برق، صورتش، دعا، خوش‌حالی زیاد، خوش‌حال، طولی، جبرئیل، حضرت محمد (ص)، بهشت، سبز بهشتی، نگاه، عطر، زود، اتاق (Ibid: 66-67).**

**بخوان و حفظ کن - لحظه‌ی سبز دعا - لحظه‌ی سبز دعا، زمزمه، شست‌وشو، همه‌مه، باغ، حال، قیام، کوه، رکوع، آفتاب و ماهتاب، غروب، طلوع، مثل، قامت، سفر، آسمان، غرق سکوت، گلدسته‌ها، مرغان، قنوت (Ibid: 71).**  
**درس نهم - بوی نرگس - صدا، سفالی، آواز، سرودها، نغمه‌های طبیعت، اطرافم، سرود، موسیقی، نغمه، چقدر، سخت، آبی، بی‌انتهاست، سبزی، چشم‌نواز، کوه، سخت، استوار، اطرافم، عطرها، حس، سبزه، نرگس، یاس، سیب، سرخ و سبز، باران‌خورده، زعفران، ریحان، خوش‌بوترین، عزیزترین، غایب، فروغ (Ibid: 72-73).**

**بخوان و بیندیش - حوض فیروزه‌ای - حوض فیروزه‌ای، حسن، اتاق، ماهی قرمز، تنگ، ضربه، به سختی، حرکت، بی‌حرکت، نگاه، تنگ، مریض، بزرگ‌تری، راحت، حوض مسجد محله، حسابی، به سرعت، عجله، حیاط، نظر، آبی فیروزه‌ای، وضو، زلال، سر حال، تماشا، عرفان، قدم، مشغول، نمازگزاران، حالش، صف نماز (Ibid: 76-77).**  
**مثل - حضرت سلیمان (ع)، حیوانات، حرف، روزی، اجازه، خواست، مهمانی، همه، اولین، ماهی بزرگی، نهار، غذا، بلعید، بقیه‌ی غذا، هنوز، تعجب، چقدر، می‌خوری، قورت، خوردم، باقیست (Ibid: 78).**

**درس دهم - مهربانی - چند ماهی، دوستی، گذشته‌است، بهتر، همان روز اول، اغلب، مراقب، بعضی، لذت، تشکر، وقت، لحظه‌ای، آغوش، قلبتان، نزدیک، لحظه‌هایی، حس، ضربان قلب، نغمه‌ی زیبا و قشنگی، تپش قلب، مهربان، حالتان، حتماً، فقط، متوجه، حرف‌ها، گاهی، بعضی، شعر، خسته و آزرده، نزد، حقیقت، همراه، بزرگ‌تر و باسوادتر، خوش‌حالم، بعضی وقت‌ها، مثلاً، ناراحت، پرت، هرگز، مدّت‌ها، خلاصه، همراهانی، سفرها، حالت، باغ‌های نور (Ibid: 80-81).**  
**بخوان و حفظ کن - نقاش دنیا - نقاش، باغ زیبایی، به به، صفا، باغ، نقش‌ها، استاد، نقاشی‌ات، عالی، خالق (Ibid: 84).**

**درس یازدهم - نویسنده‌ی بزرگ - حاتم طایی، بزرگ‌همت‌تر، جهان، چهل، قربانی، امرای عرب، خود، صحرا، حاجتی، پشته، فراهم‌نهاد، مهمانی، خلقی، سماط، عمل خویش، خورد، منت، همت، حکایتی، خواندید، سعدی، اهل، شیراز، گذراند، سفر، بغداد، تحصیلات، خود، سوریه، زیارت، خاطراتش، حکایت‌ها، شعرها، حاصل، افتخارات، قرآن، احادیث، گذشته، آثار، می‌خوانند، علاقه، حتماً، شاعر (Ibid: 86-87).**

**بخوان و بیندیش - خواب خلیفه - روزگاری، بغداد، خواب، هراسان، خوابش، قصر، شروع، قدم زدن، صبح، وزیر، سراغ، خسته، خواب‌آلود، آرام، قرار، معنا، خواب‌گزار، حتماً، مأموران، عجب، زودتر، معنی، اطرافیان، زنده، مجازات، ارزشی، نمی‌خواهم، اشاره، عمر، طولانی‌تر، خوش‌حال، جایزه، احترام، قصر، همراهی، حرف، خوش، چطور (Ibid: 90-91).**  
**حکایت - رازِ جعبه - رازِ جعبه، حکیم، راز خوشبختی، پیروزی، بیاموز، رازی، خواهم‌گفت، مواظب، وقتی، ناگهان، صبرش، چطور، حفظ (Ibid: 92).**

**درس دوازدهم - ایران عزیز - عزیز، سرزمین زرخیز، زیبا، نعمت، خزر، دل‌انگیزش، مقدّس، براننده‌تر، باقی، باقیست، آغوش خود، صبور، عاشق، فرهنگ، هنر، رونق، مولوی، سعدی، حافظ، زاد، بوعلی سینا، زادگاه، طمع، به همه نعمت‌هاش، دهان‌های حریص، خواب، زور، خود، نه‌راسیم، حفظت، خطر (Ibid: 94-95).**

**بخوان و حفظ کن - وطن - وطن - سرخ، خویش، ورزش، خواندن درس، باستانی، خویش، راست‌گوی، درست‌پیمان، ملت، وطنیم، دروغ، بهتانیم، اهل صنعت، هنریم، اهل، احسانیم، حالیا، افتخار، درس می‌خوانیم (Ibid: 101).**

**درس چهاردهم - ایران آباد -** موضوع درس، رسم، دقیقه، مشورت، طرف، هم‌فکری، بحث، سخن، نُخست، جغرافیا، نظر، مناطق مرزی، اصلی، وطن، مرزنشینان، پرتلاش، دوست، تاریخ، برخاست، گذشته، درس‌های زیادی، مناطق مختلف، زبان، محلی، حرف، بارزش، حفظ میهن، بااهمیت، مهم، علمی، علم و صنعت، معروف، همبستگی، پاسداری، تکیه، قرآن، باعث، اتحاد، موفق، دفاع، اعضای گروه، می‌خواهیم، رزمندگانی، صحبت، طول، هشت سال دفاع مقدس، شجاعانه، وطن، دفاع، آینده، عباس بابایی، مصطفی اردستانی، علی‌اکبر شیرودی، احمد کشوری، عباس دوران، حفظ، اجازه، حتی، دقت و علاقه، صحبت‌ها، خوش‌حالی، بچه‌های عزیز، وظیفه‌ی خود، عمل، همدلی، همکاری، آباد، مهر، خویش (Ibid: 102-103).

**بخوان و بیندیش - بوی سیب - سیب، یاس، آهنگی، موضوع، همین وقت، جعبه، امیر، میز بزرگ، گذاشت، تابلو، تصویری، مسجد، خطّ زیبا، آزاد، شست، توی ظرف، ظرف‌ها، میز، طرف، شمعدانی، سماور بزرگی، اول، نوبت، جعبه‌ی بزرگ، سینی، حلوا، حرف، عکس، خودش، امروز، روز آزادی، روزی، خورد، صمیمی، حرف می‌زد، هر سال، زنده، شجاعت، شجاعانه، بقیه‌ی رزمندگان، حرف می‌زنند، خودش، زنده، قل خورد، باغچه، گل یاس، بوته‌های یاس، باغچه، شهید رستمی، روح، خسته، بازی، خواند (Ibid: 106-107).**

**حکایت - خروس ایرانی -** روزگاران قدیم، فرمانده سپاه، کیسه‌ای، ارزن، ارزن‌ها، زمین، ملاقات، زمانی، حمله‌ور، وقتی، صحنه، دستور، خروسی، رها، خروس، فوراً، خوردن، سپاه (Ibid: 108).

**درس پانزدهم - دریا -** افق تا افق، آینه‌ای، صورت آسمان، خورشید، می‌ریزد، می‌خیزد، ماسه‌ها، لذت، نوازش، ساحل بی‌خیال خواب‌آلود، غوطه، ماهی، زلال، زندگی، مهربان، خوشحال (Ibid: 108-111).

**درس شانزدهم - اگر جنگل نباشد -** صدای آرام نسیم، همه، گاه، غرّش، زوزه، سکوت، هواپیما، زیبا و گسترده، صدها، می‌گذرد، نشسته‌باشد، بازی‌گوش، مشغول بازی، آب‌تنی، حاشیه، تفریح و استراحت، معلوم، میز و صندلی، تخت خواب، کاغذ، قایق و کشتی، هزاران وسیله، اکسیژن، مورد نیاز، فراهم، موادّ سمّی هوا، می‌وزند، محل‌های استراحت، حفظ، مراقب، مواظبت، آینده، آغاز، روزی روزگاری (Ibid: 114-115).

**بخوان و حفظ کن - بهاران -** باز، بهار، وزان، صحراء سبز، پرستو، این سو، آن سو، آوا، سر، می‌رسد، آوا (Ibid: 118).

**درس هفدهم - چشم‌های آسمان -** رخت خواب، تماشا، آسمان پرستاره، لذت، معمولاً، صاف، ستاره‌ها، زیبایی، نقطه‌های نورانی، وصل کردن، آنها، هم، همیشه، غرق تماشا، ناگهان، دستم، خود، پرواز هیجان‌انگیز، چقدر، بزرگ و بی‌نهایت، سراغ خورشید، خوابیده‌است، هرگز، نمی‌خوابد، مشغول نورافشانی، هر شبانه‌روز، خود، وقتی، قرار، روز، زمین، سالی، احوال‌پرسی، چهار فصل زیبا، هدیه، مهربان، نتیجه، چرخش عظیم و باشکوه، حال عجیبی، چقدر، گسترده و وسیع، معلوم، مسافرت فضایی، اشتیاق و نشاط، می‌خواستیم، زیبایی و عظمت، تشکر، غرق، ناگهان، صدایی، ترسیدم، نشسته‌است (Ibid: 121).

**بخوان و بیندیش - آفرینش حلزون -** حلزون، اوایل فصل بهار، حیوانات، تلاش، سوت‌زنان، این طرف، آن طرف، خودش، هوا، بهتر، لذت، دوستش، راه، مسیر، لیز خورد، درست، زمین، یک‌دفعه، لحظه، عنکبوت، حسایی، طوری، نمی‌توانست، ناراحت، جمع و جور، مسخره، اصلاً، همین‌طور، سلام، اسم، هم‌صدا، حالا، اول، زمستان، خوابیده‌بودم، خواب، آن‌ها، صدفی، لیز، چطوری، حرکت، مایع لغزنده، بخزم، خزیدن، زحمتی، معذرت، زحمت، این‌طور، قرار، وسیله، می‌خزم، همیشه، کسی، سرزنش، تعجب، سبزی، هزار، زبانم، نگاه، چقدر، صحبت، ناگهان، خروس طلایی، نوک‌زنان، طرف آن‌ها، تندی، بوته، نوک، صحیح و سالم، زدند، زیر، زنده و سلامت، صدف، محافظت، خودم، راحت، توی آن، عجیب و شگفت‌انگیز (Ibid: 124-126).

**حکایت - افتادن از آسمان - نزد، حاکم، زور، آوردند، می‌خواهی، آسمان، افتاده‌ام، مجازات، درحالی‌که، می‌زیند، پاسخ، آن‌قدر، حواست، کاملاً، خواستی، مواظب (Ibid: 127).**

**نیایش - حمد، شوق، درس خواندن، توفیق، هوای درس، محبت استاد، مهربان، تو را، سپاس، قرآن، راهنمایی‌های آن، راه بهتر زندگی کردن، خوش‌بختی، عزیز، سپاس‌گزارم، معلّمی، صمیمی، پسندیده، بخوانم، آینده، همه، نعمت (Ibid: 128).**

لازم به ذکر است که در بخش پایانی کتاب فارسی سوم دبستان، بخشی با نام «واژه‌نامه» مشخص و تعدادی از لغات همه بخش‌های کتاب فارسی در آن بخش با ترتیب الفبایی همراه با معانی قاموسی آن‌ها ذکر شده‌است (Ibid: 130-136). باید بگوییم که اولاً این بخش با توجه به فراوانی لغات مهم املائی و معنایی در کل کتاب کاملاً ناقص است؛ ثانیاً معلوم نیست که ملاک و معیار و ملاحظات علمی و آموزشی مؤلفان از انتخاب این لغات در بخش واژه‌نامه و عدم توجه به لغات مهم دیگر کتاب چه بوده‌است؟! یا واژه‌هایی مانند «آرامش، ابریشم، اندرآن، بلور، پرورد، پیشروی، جوی، چشمه، خنده‌رو، درو، ده، روان، فداکار، فریبا و کاموا» چه ویژگی‌ای نسبت به کلماتی همچون «مایع، وظیفه، شجاعت، بی‌نهایت، حلزون، معذرت، دفعه، محلّی، قصر، قبلاً، مثلاً، حتماً و فوراً» دارند که در بخش «واژه‌نامه» آمده‌اند ولی به واژه‌های اخیر اشاره‌ای نشده است؟!

### مروری بر کلمات دارای اهمیت املائی در کتاب نگارش سوم دبستان

در مقطع ابتدایی در کنار کتاب فارسی، کتاب نگارش که در بر دارنده مهارت نوشتاری املا نیز است، از اهمیت ویژه‌ای در آموزش زبان فارسی به کودکان برخوردار است. کتاب نگارش به قلمرو نمادهای خطّی و نوشتاری زبان و به دیگر سخن، به پهنه مهارت‌های تولید مکتوب زبان می‌پردازد (Zolfaghari et al, 2024). کتاب‌های نگارش در اصل مکمل کتاب فارسی در آموختن مهارت‌های اساسی زبانی است و آموزش بهتر و عمیق‌تر مهارت زبانی نوشتن را بر عهده دارد. در کتاب نگارش سوم دبستان برای هر درس از کتاب فارسی بخش‌هایی با عنوان «املا و واژه‌آموزی» و «املا، بیاموز و بگو» وجود دارد که برای مثال، در بخش املا و واژه‌آموزی، زیربخشی با این عنوان وجود دارد: «کلمه‌ها و عبارتهای زیر را با دقت بخوان». سپس چند کلمه که مؤلفان کتاب نگارش آن‌ها را از نظر املائی مهم تشخیص داده‌اند، به صورت برجسته با رنگ قرمز چاپ شده است که عمده آن کلمات در متن درس‌های فارسی وجود دارند و تنها یک یا چند کلمه موجود نیست که دانش‌آموز باید با دقت در واژه‌های هر درس آن‌ها را تشخیص دهد. در ادامه از دانش‌آموز چنین سؤال می‌شود که «کدام یک از کلمه‌ها در متن درس وجود دارد، آن‌ها را بنویس». این نوشتن از روی لغات تشخیص داده‌شده، مشق نوشتن، بازنویسی کردن و تمرین املائی این لغات، برای یادگیری دانش‌آموز مفید و مؤثر است. نظر به اهمیتی که واژه‌های منتخب این بخش در بهبود مهارت نوشتاری دارد، کلماتی را که مؤلفان کتاب نگارش برای هر درس از کتاب فارسی سوم دبستان از نظر املا مهم دانسته‌اند، مرور کرده و آن را با لغاتی که خود از هر یک درس‌ها استخراج کرده‌ایم مقایسه، بررسی و تحلیل می‌کنیم:

**درس اوّل - محلّه‌ما - اطراف، صف، ایستگاه، مغازه، فضای سبز، نمازخانه، معرفی، دروازه‌بان، خاطره، لحظه، فرصت (Ibid: 9).**

**درس دوم - زنگ ورزش - حرفه‌ای، تعطیلی، جلب، محلّ مخصوص، ماهرانه، نام‌نویسی (Ibid: 14). ثبت نام، ماهرانه، پاییزی، صورت (Ibid: 15).**

**درس سوم - آسمان آبی، طبیعت پاک - هفته‌ی گذشته، دامنه‌ی کوه، فضای سبز، یادداشت، هم‌فکری، ماهرانه، گزارش، صاف، محیطی سالم، عادت، آشغال و زباله، جوی آب، باعث (Ibid: 20). لطیف، لذت‌بخش، دل‌نشین، غرق، نشاط، خوش گذشت (Ibid: 22).**

**درس چهارم - آواز گنجشک - منتظر، ترقّه‌ها، عادت، ضبط، زیان‌آور (Ibid: 25).**

- درس پنجم - بلدرچین و برزگر - انتظار، خویشان، آشیانه‌ی ما، تعجب (Ibid: 32).
- درس ششم - فداکاران - سهام خیام، ریزعلی خواجوی، هویزه، کشتزار، موفقیت، اشتیاق، ثبت نام، سنگ‌ریزه‌ها، تشکر، اشغالگران، آغوش، پاکیزه، طفل، پاییزی، متوجه، بحث، اثر، ریزش کوه (Ibid: 38).
- درس هفتم - کار نیک - برای این درس در کتاب نگارش کلمات مهم املائی مشخص نشده‌است.
- درس هشتم - پیراهن بهشتی - ازدواج، لطیفی، صدای ضعیفی، فقیرم، لباس کهنه، عروسی‌اش، نیازمندان (Ibid: 49).
- درس نهم - بوی نرگس - بی‌انتهاست، سعادت‌مند، پره‌های رنگارنگ پرندگان، چشم‌نواز، زعفران، ریحان، لطافت، خوش‌بوترین، غایب (Ibid: 54).
- درس دهم - یار مهربان - مراقب، تشکر، آزاده، باسوادتر، پرت، همراهانی، باغ‌های نور (Ibid: 61).
- درس یازدهم - نویسنده‌ی بزرگ - حاتم طایی، سوریه، منت، سماط، رنگارنگ، آرامگاه، حتماً، آثار، احادیث، ملی، تحصیل، افتخارات، پشته، خاطراتش، مکه (Ibid: 67).
- درس دوازدهم - ایران من - سرزمین زرخیز، نعمت، زیارت، دریای خزر، دل‌انگیزش، افتخاز، برازنده‌تر، صبور، حقیقت، فرهنگ، رونق، زادگاه، طمع، حریص، آزاده، نهراسیم (Ibid: 73).
- درس سیزدهم - درس آزاد است.
- درس چهاردهم - ایران آباد - مرزی، با اهمیت، مرزنشینان، برخاست، مناطق مختلف، صنعت (Ibid: 82).
- درس پانزدهم - دریا - برای این درس در کتاب نگارش کلمات مهم املائی مشخص نشده‌است.
- درس شانزدهم - اگر جنگل نباشد - کاغذ، ماسه، اکسیژن، ویران، حفظ، غوطه، مواظبت، آغاز، مناطق، روزگاری، مراقب، قایق (Ibid: 94). غرّش، گسترده، مشغول، پهناور، استراحت (Ibid: 95).
- درس هفدهم - چشمه‌های آسمان - رخت خواب، پشت بام، غرّش، لذت، درخشش، نقطه‌های نورانی، مناطق، وصل کردن، غرق تماشای هیجان‌انگیز، بی‌نهایت، سراغ، نورافشانی، چهار فصل زیبا، شبانه‌روز، چرخش عظیم، مسافرت فضایی (Ibid: 99).

### تحلیل کلمات مهم املائی در کتب فارسی و نگارش سوم دبستان

در بررسی کتاب‌های درسی فارسی و نگارش سوم دبستان از دیدگاه سطح دشواری املائی همان گونه که پیش از این به طور مفصل بررسی شد، ملاحظه می‌کنیم که کلمات مهم از نظر املا در دروس کتاب فارسی فراوان هستند، اما مؤلفان کتاب نگارش به بسیاری از این کلمات مهم املائی هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند؛ مثلاً از میان کلمات مهم املائی در درس ششم کتاب فارسی (فداکاران) از ذکر کلماتی مثل «هم‌نوعان، خطر، ذهن، حتی، سرمشق، چراغ، محمدحسین فهمیده، حسن امیدزاده، درس‌خوان و باهوش، موفقیت، آرام و قرار، علت، تحمیلی، زنجیرهای تانک، فُدَسِ سِرُّه، غروب، مزرعه، مسیر، حرکت، قطار، صدا، سرعت، نفت، سمت، آتش، حتمی، معلّم، واقعه آتش‌سوزی، عده‌ای، نجات، شعله‌ها، افتخار، احترام می‌گذاریم» (Khalili et al, 2024)، خودداری کرده‌اند. مورد دیگر این که مؤلفان کتاب نگارش بعضی از کلمات و ترکیبات را از جهت املائی مهم دانسته‌اند که بر اساس معیارهای علمی زبانشناختی که ما در این مقاله برشمردیم، اهمیت چندانی ندارند؛ مثلاً ترکیب «پره‌های رنگارنگ» را مهم انگاشته و برجسته کرده‌اند (Zolfaghari et al, 2024)؛ در حالی که بین صورت ملفوظ و مکتوب کلمات این ترکیب تطابق یک به یک وجود دارد. مورد مهم دیگر این که در کتاب نگارش فقط به بعضی از کلمات مهم املائی در درس‌های اصلی کتاب فارسی (درس‌های هفده‌گانه این کتاب به جز درس‌های هفتم و پانزدهم) پرداخته‌اند و از بخش‌های دیگر این کتاب، از جمله «ستایش»، «بخوان و ببیندیش»، «بخوان و حفظ کن»، «حکایت»، «مَثَل» و «نیایش» که در این مقاله هر یک از آن‌ها به تفصیل مورد بررسی قرار

گرفته‌اند، غفلت کرده‌اند. کتاب نگارش سوم دبستان از جهت رفع مشکلات املائی دانش‌آموزان، با کمبودهای زیادی روبرو است و به رفع مشکلات املائی دانش‌آموزان کمک چندانی نمی‌کند؛ بنابر این اهتمام بیشتر مؤلفان در پرداختن به همه لغات مهم املائی در این ماده درسی احساس می‌شود. در مورد سطح دشواری کلمات مهم املائی نیز شاخص و ملاحظه علمی خاصی در کار نبوده است و واژه‌ها بدون توجه به سطح دشواری آن‌ها در کتاب فارسی سوم دبستان آمده‌اند؛ برای نمونه در درس یازدهم واژه‌های دشواری مثل «حاتم طایی، بزرگ‌همت‌تر، امرای عرب، حاجتی، سِماط، مَنّت، هَمّت»، در کنار واژه‌های ساده‌تری مثل «چهل، قربانی، خود، صحرا، پشته، فراهم‌نهاد، مهمانی، خلقی، عمل خویش، خورد، حکایتی» ذکر شده‌اند (Ibid: 86-87) و هیچ ملاک و معیار علمی و تجربی، برای انتخاب واژه‌های دروس در هیچ یک از درس‌ها، مبنای عمل مؤلفان نبوده است. به نظر می‌رسد که علت اصلی این امر نبود سطح‌بندی علمی واژگان زبان فارسی از دیدگاه سطح دشواری املائی برای آموزش زبان فارسی به دانش‌آموزان دوره ابتدایی و فقدان تدوین و تألیف فهرست لغات پایه زبان فارسی است.

### فقدان سطح‌بندی علمی واژگان زبان فارسی برای تدوین و تألیف فهرست لغات پایه زبان فارسی

یکی از مهم‌ترین علل بروز مشکلات املائی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی به نبود سطح‌بندی علمی واژگان زبان فارسی برای تدوین و تألیف فهرست لغات پایه برای دانش‌آموزان این مقطع با رویکرد آموزش زبان فارسی (و نه آموزش ادبیات فارسی) بازمی‌گردد؛ در نتیجه همین معضل جدی است که واژه‌های دشوار، تاریخی و مهجوری مانند «سماط» در فارسی سوم ابتدایی به کار رفته است. از این جهت باید به ویژگی‌های خاص زبان کودکان توجه شود. از دید علم زبانشناسی، زبان کودک در هر زبانی، دارای ویژگی‌هایی است که برای تسهیل ارتباط کودکان با دنیای بیرون، یا ارتباط بزرگسالان با دنیای کودکان باید آن‌ها را در نظر گرفت. یکی از ویژگی‌های این زبان، تعداد و نوع واژه‌هایی است که کودک آن‌ها را به کار می‌گیرد. به طور طبیعی، شمار واژه‌های کودک از شمار واژه‌های بزرگسالان کمتر است. هرچند در باب تعداد واژه‌های کودک، بین پژوهشگران توافق زیادی وجود ندارد، اما مسلم است که نوع واژه‌های کودک با بزرگسالان متفاوت است. کودک معانی ضمنی و کنایی واژه‌ها را بعدها می‌آموزد و عمدتاً در گنجینه لغات کودکان، واژه‌های ملموس بیشتر از واژه‌های انتزاعی و اسم بیشتر از صفت هست؛ درحالی که توزیع فراوانی واژه‌ها در زبان بزرگسالان طرح دیگری دارد (Molavi, Ghiyasian, Soleimani & Rahmani, 2019). درباره زبان کودکان و لزوم به کارگیری این زبان در مواجهه با آن‌ها چنین می‌گوید:

چون که با کودک سر و کارم فتاد هم زبان کودکی باید گشاد  
(Molavi, 2003: Book 4, verse 2577)

در بررسی دروس کتاب فارسی سوم دبستان از جهت رعایت واژگان خاص زبان کودکان، درمی‌یابیم که (برای نمونه مطالب و لغات دروس ششم، یازدهم و چهاردهم)، از جهت سطح دشواری املائی و معنایی، برای زبان‌آموزی کودکان سال سوم دبستان مناسب نیستند.

### بحث و نتیجه‌گیری

تدوین واژگان سطح‌بندی شده پایه برای دانش‌آموزان دوره دبستان جهت رفع مشکلات زبان‌آموزی آن‌ها و به کارگیری آن واژه‌ها در کتاب‌های درسی فارسی ضروری است. در زبان‌های مهم دنیا، مثل زبان انگلیسی، این امر مهم در آموزش زبان، یعنی سطح‌بندی علمی واژگان زبان، از آسان به دشوار انجام گرفته، اما در زبان فارسی، از این امر غفلت شده است. برخی از متخصصان ادبیات کودکان به مسئله واژگان پایه و اهمیت آن در برقراری ارتباط سازنده با کودک اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه مصطفی رحماندوست در کتاب «ادبیات کودکان و نوجوانان» معتقد است که «واژگان پایه هر گروه سنی از لغاتی تشکیل می‌شود که اغلب قریب به اتفاق بچه‌های آن گروه سنی، معنی و مفهوم آن لغات را می‌فهمند. نویسنده‌ای که برای کودکان می‌نویسد، پیش از همه چیز باید به واژگان پایه گروه سنی مخاطبش مسلط باشد» (Ghiyasian, )

Soleimani & Rahmani, 2019). موضوع اخیر در تألیف کتاب‌های درسی فارسی برای تمامی پایه‌های مقطع ابتدایی نیز کاملاً صادق است. ویژگی خاص و برجسته واژگان پایه فارسی این است که کودکان ایرانی آن را به صورت روزمره به کار می‌گیرند. در واقع، واژگان پایه، همان واژه‌های آشنا، پرکاربرد و روزمره کودکان ایرانی است؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد که همه کودکان ایران با این واژه‌های فارسی آشنا هستند، در زندگی خود آنها را به کار می‌برند و به کمک آن‌ها با جهان و افراد پیرامون خود در شهر و روستا و در خانه و مدرسه ارتباط برقرار می‌کنند. اگر بزرگسالان در مواجهه با کودکان از این واژه‌ها استفاده کنند، بهتر می‌توانند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و البته روشن است که برقراری ارتباط با دانش‌آموزان، نخستین گام در راه تربیت و آموزش آن‌هاست (Nematzadeh et al, 2011). در زمینه تدوین واژگان پایه فارسی مخصوص کودکان کوشش‌هایی تاکنون از طرف متخصصان و محققان ایرانی انجام شده است که می‌توان از کتاب‌های «واژگان پایه فارسی از زبان کودکان ایرانی» (منبع گذشته)، «آموزش فارسی به فارسی» تألیف Ahmad Zahrai et al، «آموزش زبان فارسی» تألیف Ahmad Saffar Moghadam و «واژگان پایه و واژگان نگاری کودک در زبان فارسی» تألیف Hayat Ameri and Hassan Zolfaghari اشاره کرد. Soleimani & Rahmani (2019) کوشیده‌اند که کتاب‌های مذکور را از دیدگاه غنای واژگانی با هم مقایسه کنند. آن‌ها کتاب «آموزش فارسی به فارسی» را از کتاب‌های مشابه دیگر بهتر ارزیابی کرده‌اند (Ibid) در زمینه تألیف مقالات نیز در این زمینه می‌توان از مقاله «طبقه‌بندی چندگانه موضوعی واژگان پایه فارسی» (Dadras, 2012) نام برد. مؤلف هدف از نگارش این مقاله را معرفی طبقه‌بندی چندگانه موضوعی واژگان پایه فارسی بیان کرده‌است. این طبقه‌بندی، ابتکاری است که برای کاربرد مطلوب واژگان پایه، به ویژه در تألیف کتاب‌های درسی دانش‌آموزان ابتدایی، به کمک واژه‌هایی به زبان فارسی و آشنا در همه مناطق ایران با هدف یاری‌رساندن به ارتقای کیفیت آموزشی در نظام آموزشی متمرکز ما انجام گرفته‌است (Ibid: 34). تعیین موضوعات این طبقه‌بندی نیز مهم است. از آن جایی که گنجینه واژگان پایه برای کودکان، کوچک و محدود است و شامل همه واژه‌های زبان فارسی نمی‌شود، ناگزیر تعداد و گستره موضوعاتی که بتوان واژه‌های پایه را به آن‌ها اختصاص داد، نیز محدود است. با توجه به این که مخاطب اصلی این طبقه‌بندی کودکان بوده‌اند، رویکرد کلی در تعیین موضوعات، جهان خارج و به‌ویژه جهانی است که کودکان در آن زندگی می‌کنند. اگرچه ممکن است گاهی این موضوعات ماهیت انتزاعی داشته باشند، سادگی و قابل فهم بودن نیز معیار مهمی در انتخاب عنوان برای موضوعات بوده‌است (Ibid: 39). مؤلف مقاله با این ملاحظات مهم، موضوعاتی مانند «بدن، پوشاک و آرایش، تربیت/تحصیل، جانوران، خانواده، محیط زندگی، خوراک، دین/اخلاق، رابطه اجتماعی/ارتباط، رخداد، رفتار، رنگ و سفر/حمل و نقل» را برای کارش برگزیده است (Ibid). در کنار تمامی این کوشش‌های ارزشمند، مشکل فقدان تدوین واژه‌های پایه فارسی هنوز پابرجاست و در خود را در کاربرد غیرعلمی واژه‌های کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی نشان می‌دهد. برخی از محققان برآنند که اگرچه پیکره‌های خوبی برای لغات زبان فارسی تهیه شده‌است و بر اساس آن‌ها چند فرهنگ بسامدی نیز تدوین شده است، اما نبود تعریف علمی و دقیق مفهوم «کلمه» که با توانش زبانی یک فارسی زبان متوسط متناسب باشد، مانع از تدوین فهرست لغات پایه فارسی بر اساس این فرهنگ‌های بسامدی شده است (Ebadi, Vakili Fard & Bahramlou, 2014). در نتیجه بررسی جامع، کامل و علمی واژگان کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از دیدگاه سطح دشواری املائی و تدوین واژگان پایه فارسی برای کودکان، به منظور به کارگیری آن‌ها در تألیف کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی با رویکرد علمی جامع و دقیق برای آموزش زبان فارسی به کودکان ضروری به نظر می‌رسد.

### مشارکت نویسندگان

نگارش مقاله بصورت فردی انجام شده است.

### تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

## References

- Akbari Sheldareh, F., et al. (2017). *Persian Teacher's Guide for the Third Grade of Elementary School-58. (Second Edition)*. Tehran: Educational Research and Planning Organization of the Ministry of Education. [In Persian].
- Bakhshi, E. (2019). The Necessity of Restoring and Modernizing Old Dari Texts in Persian Textbooks for Elementary School in Iran. *Quarterly Journal of Research in Persian Language and Literature Education, Farhangian University, 1*(1), 54-78. [In Persian].
- Dadras, M. (2012). Multiple Subject Classification of Basic Persian Vocabulary. *Iranian Curriculum Quarterly, 7*(27), 33-61. [In Persian].
- Dehkhoda, A. A. (1967). *Dehkhoda Dictionary*. Under the supervision of Dr. Mohammad Moein. Tehran: Tehran University Press. [In Persian].
- Dibai Saber, M., Jafari Sani, H., & Ayati, M. (2010). The extent of engagement of the Persian curriculum for the primary school (third and fourth grade) with reading literacy skills based on the Perls International Study. *Quarterly of Educational Innovations, 9*(36), 29-49. [In Persian].
- Ebadi, S., Vakili Fard, A. R., & Bahramlou, K. (2014). Compilation of a list of basic Persian words: an integrated approach. *Research paper on teaching Persian to non-Persian speakers, 3*(8), 3-23. [In Persian].
- Ghiyasian, M., Soleimani, H., & Rahmani, F. (2019). A study of the use of basic Persian vocabulary in Persian language teaching books for non-Persian speakers and its comparison with the basic vocabulary of Iranian Persian learners. *Language and Linguistics, 16*(31), 135-151. [In Persian].
- Haddad Adel, G., et al. (2015). *Persian Calligraphy. (13th edition)*. Tehran: Persian Language and Literature Academy (Publishing Works). [In Persian].
- Haqshenas, A. M. (2009). *Phonetics. (12th edition)*. Tehran: Agah Publications. [In Persian].
- Khalili, S., et al. (2024). *Persian - Third Grade - 303. (Sixth Edition)*. Tehran: Educational Research and Planning Organization of the Ministry of Education. [In Persian].
- Lazar, G. (2005). *Contemporary Persian Grammar*. Translated by Mahasti Bahreini, Tehran: Hermes Publications. [In Persian].
- Mohammadi Chabaki, R. (2013). Explaining the position of language in strengthening the foundations, clarifying the goals and developing the means of education. *Scientific-Research Bi-Quarterly of Research on Education and Learning of Shahed University, 22*(7), 199-220. [In Persian].
- Molavi, J. (2003). *Spiritual Mathnavi (from the 677 AH Konya manuscript)*. Corrected by Tofiq Hashempour Sobhani, (Second Edition). Tehran: Rosena Publications. [In Persian].
- Nematzadeh, S., et al. (2011). *Basic Persian vocabulary from the language of Iranian children*. Tehran: Madrasah Publications. [In Persian].

- Sadeghi, A. A., & Zandi Moghadam, Z. (2015). *Persian Calligraphy Spelling Dictionary: Based on the Persian Calligraphy Grammar Approved by the Persian Language and Literature Academy. (New Edition)*. Tehran: Persian Language and Literature Academy (Publishing Works). [In Persian].
- Sadri Afshar, G. H., Hakami, N., & Hakami, N. (2002). *Contemporary Persian Language. (New edition)*. Tehran: Contemporary Language. [In Persian].
- Seyidi Nazarloo, S. T., & Tabasi, S. Z. (2017). How can I improve the spelling skills of fifth grade students?. *Tehran: First International Conference on Social Sciences, Education, Humanities and Psychology*. 1-21. [In Persian].
- Tabrizi, M., Tabrizi, A. R., & Tabrizi, N. (2015). *Treatment of Dictation Disorders. (35th edition)*. Tehran: Fararovan Publications. [In Persian].
- Vahidian Kamyar, T., et al. (2014). *Persian language (1) first year of high school-2/201*. (18th edition). Tehran: Iran Textbook Publishing Company. [In Persian].
- Zare Shahmorsi, P. (2015). *Comprehensive Dictionary (Turkish-Persian)*. Tabriz: Azarmidukht Publications in cooperation with Akhtar Publishing. [In Persian].
- \_\_\_\_\_(2009). *Shahmorsi Persian-Turkish Dictionary*. Tabriz: Akhtar Publishing House in cooperation with Hashemi Soudmand Publications. [In Persian].
- \_\_\_\_\_(2012). *Dictionary of Turkish-Influenced Vocabulary in Persian and Arabic Languages*. Tehran: Takdarkht Publications. [In Persian].
- Zolfaghari, H., et al. (2024). *Edition - 3rd grade - 304*. Twelfth edition, Tehran: Educational Research and Planning Organization of the Ministry of Education. [In Persian].